

رشد اقتصاد مدیترانه در اوایل هزاره اول قبل از میلاد مسیح

سوزان و اندرو شِرات^۱
ترجمه سمیه حیدری لقب^۲ و مریم طالبی^۳

چکیده

این مقاله توسعه‌ی سیستم‌های تجاری عصر آهن در مدیترانه را مورد بررسی قرار داد. تشکیلات اجتماعی تجارت در هزاره‌ی اول را با تجارت قبل از عصر برنز در تضاد قرار می‌دهد، اما همچنان به تداوم در الگوی توسعه اشاره می‌کند. با استفاده از مدارک و شواهد باستانی و تاریخی، میزان رو به رشد تولید و توسعه در مناطقی که فناوری‌های پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گرفتند، تشریح می‌شود. مسیرهای تجارت دریایی، هم به عوامل رقابت و هم به میزان حمل و نقل مرتبط می‌شود.

۱۰



باستان‌پژوه، سال بیست و دوم، شماره ۲۸، پیاپی

-
1. Susan and Andrew Sherratt
 2. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی somayeheidarilaghab@gmail.com
 3. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران maryam.taleby5@gmail.com

The growth of the Mediterranean economy in the early first millennium BC

Sherratt, Susan and Sherratt, Andrew

Abstract

This article surveys the development of Iron Age trading systems in the Mediterranean. It contrasts the social organization of first millennium trade with that of the preceding Bronze Age, but also points to continuities in the patterns of expansion. Using archaeological and historical evidence, it outlines the growing scale of production and extension of the area where advanced technologies were employed. The routes of maritime trade are related both to factors of competition and to the size of shipping.

۱۱





یکی از اساسی‌ترین و در عین حال ضعیف‌ترین مراحل درک شده در توسعه‌ی اقتصاد مدیترانه، گذر از عصر برنز به عصر آهن است. در طول این دوره از دگرگونی بنیادی اجتماعی، اقتصادهای حاکم بر هزاره‌ی دوم جای خود را به اشکال کمتر متمرکز شده از تشکیلات اقتصادی دادند به طوری که دوره‌ی جدیدی از تسریع رشد را مشخص کردند که تا تمام هزاره‌ی اول قبل از میلاد مسیح به طول انجامید.^۴ توسعه‌ی سیستم‌های تجارت در اوایل عصر آهن، برای درک ماهیت اقتصاد کهن، با مباحث مربوط به آن امری حیاتی است.

پیشتر، در فرایندهای از بین رفتن مراکز کاخ‌های عصر برنز و در نتیجه‌ی انحلال آن‌ها، آزاد شدن نیروهای اجتماعی جدید، الگوی جدیدی در قرن‌های پیش از هزاره‌ی قبل از میلاد مسیح شروع به شکل گرفتن کرده بود.^۵ اساس این الگوی جدید، خارج شدن فعالیت تجاری مواد ارزشمند از حیطه و کنترل دولت بود. در حالی که شهرهای ساحلی عصر برنز در قبرس و مشرق به میزان قابل توجهی از خودمختاری تجاری در اتحادیه‌های سیاسی هم عصر وسعت یافته بودند، تمایز مداوم ساختارهای تجاری و سیاسی اکنون خود منجر به تفکیک تشکیلات داخلی ایالت‌های مستقل شد. این موضوع عواقب مهمی را در خصوص ماهیت ثبت و ضبط مستندات داشت، چراکه فعالیت‌های تجاری، دیگر در گزارشات دولتی و متون طبقه حاکم منعکس نشد، بنابراین تاریخ اقتصادی هزاره اول، هم از طریق ماهیت مدارک و شواهد و هم از طریق تئوری‌هایی که جهت توجیه آن‌ها رشد کردند، مرتباً تحریف شده است.^۶ اینجاست که مدرک باستان‌شناسی می‌تواند کمک شایانی ارائه دهد به درک مراحل منجرشده به تمدن‌هایی که دانش اروپایی آن‌ها را به عنوان تمدن‌های "کلاسیک" مشخص کرده است اما تمدن‌هایی که خود باید در قالب وسیع‌تری از فعالیت اقتصادی و سیاسی معاصر قرار بگیرند.

توسعه‌هایی که هزاره اول را از آن‌چه پیش از آن بود متمایز می‌کنند عبارتند از توسعه‌های اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی، اما این عوامل نباید به عنوان

ویژگی‌های تصادفی و اتفاقی با خاستگاه‌های مجزا، بلکه ترجیحاً به صورت نمودهایی مکمل از الگویی در حال توسعه که منطق درونی خود را دارد، در نظر گرفته شوند. پیش از پرداختن به توالی زمانی این عوامل، ارزش این را دارد که به عوامل پایه‌ای این الگوی جدید نگاهی بیندازیم. به طور خلاصه این عوامل به شرح زیر است:

۱. به جای شبکه‌های تجاری و سیاسی کاخ‌محور و بروکراتیک بین‌المللی گرابی عصر برنز، دولت‌شهرهای تجاری به صورت اجزای سازنده در یک چارچوب جدید اقتصادی درآمدند. معابد به جای کاخ‌ها به عنوان نمادهایی از آگاهی عمومی و موفقیت اقتصادی، به جای مبادله‌ی کنترل شده توسط دولت، کسب و کارهای بازرگانی نیز به صورت حالت غالب بر فعالیت تجاری درآمدند.

۲. ساخت و تولید آهن به عنوان یک فلز سودمند-پیش از همه در قبرس و در اوایل قرن دوازدهم قبل از میلاد مسیح- به صورت بخشی از فرایند تجاری‌سازی تدریجی در شرق مدیترانه نمایان شد و (مانند شیشه) در جستجوی رقابت برای محصولات ارزش افزوده جدید در اواخر هزاره‌ی دوم توسعه یافت، اما تأثیرات آن بر ماهیت تجارت، وسیع و گسترده بود. گسترش کار آهن به ناچار سیستم‌های مبتنی بر کسب و جریان برنز را تخریب کرد و از آن‌جا که کنترل این سیستم، پایه و اساس ویژگی سیاست‌های عصر برنز بود، این تغییر و دگرگونی گامی قطعی در جلوگیری از پیدایش دوباره‌ی چنین اقتصادهای متمرکز شده بود و حتی باعث شد کنترل فلزات گران‌بها نیز از اهمیت بیشتری برخوردار شود. این جنبه‌ی اجتماعی بکارگیری آهن، حداقل به میزان اهمیت رشد تکنولوژی آن، مهم بود.

۳. در واکنش به از بین رفتن کنترل مستقیم فعالیت اقتصادی، به تدریج اشکال جدیدی از قدرت سیاسی

۴. Hicks ۱۹۶۹: ۴-۲ فصل‌های

۵. Sherrat and Sherrat 1991

۶. Rowlands 1984

نمایان شد. تعاریف ارضی، هم در سطح مرزهای دولت‌شهرها و هم مرزهای نهادهای بزرگ‌تر مهم تلقی شد که منجر به ایجاد اشکال جدیدی از حکمرانی‌های مبتنی بر کنترل مستقیم سیاسی-نظامی شد و اشکال جدیدی از خراج و استخراج مازاد محلی را در برگرفت.

۴. تنش بین منافع تجاری و اساسی بومی آشکارتر شد. در مقیاسی بزرگ‌تر، این موضوع احتمالاً در روابط مکمل بین امپراتوری‌های قلمروطلب و دولت‌شهرهای بازرگانی در مرزهایشان، به ویژه در سواحل، که از طریق آن‌ها تجارت خارجی کشیده شده بود، نمایان شد. با این حال این تمایز در داخل ایالت‌های مستقل و شهرهای مجزا نیز رخ داد، جایی که فعالیت بازرگانی اغلب محدود و یا از عرصه‌های اصلی قدرت سیاسی جدا شده بود.

۵. مانند عصر برنز، ایستگاه‌های تجاری برون مرزی مربوط به کسب مواد خام، در مناطق کمتر توسعه یافته در حاشیه‌ی دنیای شهری و اکنون در طول کل مدیترانه مستقر شده بودند، اما حتی اینجا نیز قرارگاه‌های تجاری ای که در آغاز مستقل بودند، (جنبش‌های قبل از استعمار) اغلب به مستعمرات رسمی تبدیل می‌شدند و این مسئله توسط شهرهای مادری که تلاش می‌کردند تا عوامل حضور سیاسی آشکار را معرفی کنند، حاصل شد. تعریف رسمی ارضی آن‌ها به برخی از این مستعمرات اجازه داد تا به جوامع و واحدهای سیاسی خودمختار تبدیل شوند.

۶. نگرانی عمومی در خصوص کنترل سیاسی در داخل مرزهای مشخص شده، ماهیت جنگاوری را هم در دریا و هم در خشکی تحت تأثیر قرار داد. دفاع از مرزها مستلزم اشکال جدیدی از تشکیلات نظامی و تکنولوژی بود؛ چه در ارتش‌های تعلیم دیده‌ی شهری در ایالت‌های کوچک و چه در ارتش‌های دائمی و بزرگ امپراطوری‌ها. و این موضوع در تمایز فزاینده‌ی کشتی‌های جنگی نسبت به کشتی‌های بازرگانی، استفاده از سواره نظام به جای ارابه‌های جنگی و تاکتیک‌های پیاده نظام گروهی و هماهنگ شده منعکس شد. همه این‌ها مستلزم حجم زیادی از مواد و متریاال بود. در دریا، ضرورت مقابله با دزدان دریایی که از حجم رو به رشد حمل و نقل دریایی بهره می‌برند، انگیزه‌ی دیگری جهت حفظ نیروی دریایی بود.

۷. تعیین دقیق‌تر واحدهای سیاسی قلمروطلب باعث ایجاد آگاهی و هوشیاری جدیدی نسبت به تفاوت‌های قومی شد که هم توسط میزان فزاینده رقابت بازرگانی و هم جنبش‌های رقابتی استعمار یا گسترش امپراطوری شدیدتر شده بود و در برخی از موارد شامل جابه‌جایی تحمیلی یا تبعید جمعی می‌شد. گسترش دانش و سواد (هم در داخل جوامع و هم بین آن‌ها) به تعیین و استحکام واحدهای زبانی و شناسایی خودآگاه قومیت با استفاده از زبان کمک کرد.

۸. این پیشرفت‌ها موجب تغییر ماهیت برده‌داری شد که به طور روزافزون به شکل برده‌داری تملیکی درآمد. برده‌ها به صورت کالا درآمدند و در تعداد بسیار زیادی مورد داد و ستد قرار گرفتند و در کارهای صنعتی و احداثی وسیع که شامل کار کشاورزی و معدن می‌شد به کار گرفته شدند. جمعیت برده اکنون ممکن است از نظر قومی متمایز باشد اغلب از مسافت‌های قابل توجهی آورده شده‌اند.

۹. الزامات هزینه خراج، بازرگانی و نظامی (مثلاً سربازان مزدور) ضرورت ذخایر شمش و طلا را افزایش داد که هم توسط اکتشافات برون‌مرزی و هم افزایش کارهای معدن حاصل شده بود. اهمیت استراتژیک و اقتصادی ذخایر فلزات گران‌بها منجر به مداخله دولت و تلاش‌هایی جهت اعتبار بخشیدن، تنظیم و کنترل آن‌ها از طریق رسمیت بخشیدن به ضرب سکه شد^۷ - واحدهای استاندارد شده و ضمانت ترکیب و وزن، با مهر قابل تشخیص آن ایالت. این کار به جای آن‌که در مناطقی که نقره باید وارد می‌شد (مثل فنیقیه که از لحاظ تجاری پیشرفته‌تر بود) آغاز شود، در نواحی داخل حوزه دولت که تولید نقره انجام می‌شد شروع به کار کرد (مانند لیدیا^۸ و یونان). اهمیت سکه‌ها برخلاف استفاده از فلزات

7. Hart 1986

8. Lydia: پادشاهی باستانی واقع در آسیای صغیر، در منطقه ترکیه کنونی





گران‌بها با واحدهای وزنی است، احتمالاً به همان میزان که با نیازهای بازرگانی مرتبط است، با این جنبه‌ی دوم نیز ارتباط دارد و نمی‌توان خط بسیار دقیقی بین کاربردهای پولی و پیش از پولی کشید.

۱۰. اگرچه این ویژگی‌ها تنها و تدریجاً در طول اوایل هزاره‌ی اول نمایان شد و اشکال مختلفی در بخش‌های مختلف مدیترانه داشت (اگرچه به طور کلی تا پیش از آن در شرق داشت)، اما بخشی از پیشرفت تصاعدی را شکل دادند به طوری که از هرآن‌چه در عصر برنز به دست آمده بود پیشی گرفت. این موضوع تنها از سرعت توسعه‌های هزاره‌ی اول، مقدار و حجم واحدهای مشغول به کار و ظهور پایتخت‌ها (با جمعیتی حدود ۳۰-۱۰۰،۰۰۰) قابل مشاهده نیست. این موارد به جریان حجم بی‌سابقه‌ای از مواد و متریا ل آن زمان اشاره دارد. در اصطلاح جغرافیایی، گسترش فعالیت در سرتاسر مدیترانه، سرزمین جدیدی را نمایان کرد؛ به خصوص در اروپای معتدل جنوبی که اکنون نقش کم‌اهمیتی را ایفا می‌کرد. این موضوع باعث افزایش اهمیت ایتالیا شد، به عنوان تقاطع بین راه‌های دریایی مدیترانه‌ای و راه‌های زمینی به اروپا، سرانجام منجر به ظهور رم شد.

در هزاره‌ی دوم، فرایند توسعه به هیچ عنوان توسعه‌ی تدریجی‌ای ساده یک اقتصاد توسعه یافته نبود، بلکه مدت‌های زیادی است که در این مسئله دخیل است و مشغول برقراری پیوندهایی چرخه‌های مبادلاتی موجود در امتداد دریاچه مدیترانه بود و ابتدا هم سر و کارش با چند قلم از محصولات با ارزش بود. از آن‌جا که هر منطقه به فرصت‌های ایجاد شده در آن واکنش نشان می‌داد، اما تمایز محلی فعالیت اقتصادی، مناطق مکملی از انواع مختلف ساخت و تولید را در حجم بیشتری نسبت به زمان‌های اولیه ایجاد کرد که این مسئله با ظهور مراکز جدید و زنجیره‌های تأمین همراه بود. مجموعه‌های پیچیده‌ای از مانورهای رقابتی که شامل مسیرهای میانبر و تغییر هم‌پیمانان سیاسی یا فتوحات امپراطوری می‌شد، این الگو را به طور مداوم روان و متحرک نگه می‌داشت.

در بخش‌های بعدی تلاش می‌شود تا پیچیدگی‌های این فرایند در نیمه اول هزاره‌ی اول خلاصه شود که در درجه اول از نظر منطق اقتصادی آن، به طور تضمینی به قرن‌ها تقسیم بندی شده است. این تعریف به معنی نادیده گرفتن جنبه‌های دیگر فرایند نیست؛ مانند جنبه‌های مذهبی و ایدئولوژیکی که مربوط می‌شود به مسئله بزرگ‌تر تماس فرهنگ‌ها. حقیقتی که لازم است به این ترتیب توصیف کرد، نتیجه‌ی حیطه بندی حوزه‌ی پژوهش است که اغلب به گونه‌ای با قسمت‌های جداگانه‌ی ناحیه مدیترانه رفتار می‌کند که گویا آن‌ها به طور جداگانه توسعه یافته بودند. این گزارش برای تصحیح تعادل در نظر گرفته شده است.

پیشگامی لوانتین^{۱۰}: قرن‌های نهم و دهم (شکل ۱.الف)

اگرچه برخی از مشخصه‌هایی که خصوصیات و ویژگی‌های هزاره‌ی اول بودند در مدت کوتاهی از فعالیت تجاری پیش از دوره‌ی کاخ‌نشینی با مرکزیت قبرس در قرن دوازدهم قبل از میلاد مسیح نمایان شده بودند^{۱۱}، اما سقوط تأثیرگذار تجارت بین منطقه‌ای در بخشی از قرن یازدهم (اگرچه نه به طور کامل)، احیا و تجدید حیات بعدی را به عنوان مرحله‌ی جدید نشان می‌دهد. با این حال سرعت این احیا شدن، نشان دهنده‌ی وابستگی‌اش به آن‌چه است که پیش از این اتفاق افتاده بود. به خصوص در مناطقی که با تجارت دریایی مرتبط بود. هم مصر و هم آشور اگرچه از حذف شدن رقبا منتفع شده بودند اما سقوط قدرت مرکزی، آن‌ها را سخت تحت تأثیر گذاشت. سقوطی که حتی استقرار محدود و کوتاه‌مدت نظامی قادر به برگرداندن آن نبود. منطقه‌ای که سریع‌تر از همه احیا شد، لوانت جنوبی (فلسطین و فنیقیه) بود که به قبرس و اکنون

9. Wolf 1982: 3-19

10. Levantine: کشورهای سواحل شرقی دریای مدیترانه

11. Sherratt and Sherratt 1991: 373-5

نیز از طریق مسیر ساحلی غربی عربستان به مناطق تولیدکننده‌ی عود در جنوب عربستان مرتبط می‌شد. این کانون و مرکز لوانتین جنوبی، منطقه‌ی اصلی توسعه در شروع هزاره‌ی اول بود.

این موفقیت، از تلفیق روابط خارجی با منابع تولیدی و کشاورزی خودشان حاصل شد. ظرفیت تولیدشان (که تا قرن دوازدهم، زمانی که با قبرس ارتباط تنگاتنگ داشت، نمایان شده بود) در فلسطین در زمینه‌ی تولید صنعتی منسوجات و روغن زیتون در تأسیسات بزرگ مثل تأسیسات واقع در تل میکن^{۱۲} مشهود است. تولیدات آن‌ها شامل پارچه‌های رنگی اعلا (ارغوانی و آبی سلطنتی) و روغن معطر می‌شود که در ظروف سفالی کوچک و بطری‌های سفالی توزیع می‌شد. آمفورای مخصوص حمل و نقل^{۱۳} در شهرهای جنوبی به عنوان مثال آشکلون^{۱۴} و لاجیش^{۱۵} در قرن دهم دوباره نمایان شد^{۱۶}. در سرزمین‌های داخلی، رشد قلمرو اسرائیل با تجارت زمینی و از مسیرهای کاروان شمال- جنوب به سمت عربستان رابطه‌ی تنگاتنگی داشت که به اهمیت آن در سفر ملکه صبا در کتاب مقدس اشاره شده است. در خصوص ارتباط سرزمین داخلی و منابع ساحلی (بین اسرائیل و فنیقیه) به توافق بین حضرت سلیمان و هیرم پادشاه^{۱۷} تایر^{۱۸} اشاره شده است، این توافق در خصوص دریافت چوب سدر جهت ساخت معبد در مقابل عرضه‌ی سالانه‌ی گندم و روغن بود؛ بندرهای فنیقی‌ها امکان دسترسی به منابع مدیترانه‌ای فلزات گران‌بها را می‌داد و به همین جهت حضرت سلیمان و هیرم ناوگانی مشترک اختصاص دادند. حمل و نقل دریایی به سمت جنوب دریای سرخ نیز بسیار حائز اهمیت بود و تلاش‌هایی جهت میانبر زدن مسیر زمینی غرب عربستان به دلیل مأموریت مشترک دریایی که حضرت سلیمان و هیرم در پایین دریای سرخ برای طلای آفیر^{۱۹} داشتند، به ثبت رسیده است^{۲۰}.

با این حال، تمرکز اصلی تائیری‌ها و سایر بازرگانان فنیقی، مدیترانه و به خصوص راه‌های اصلی حمل و نقل دریایی شرق-غرب، از قبرس تا امتداد ساحل جنوبی آناتولیا^{۲۱} به سمت اژه، کرت^{۲۲} و مدیترانه مرکزی بود؛ شاهراه تجارت از عصر برنز تا دوره قرون وسطی^{۲۳}. قبرس نقطه‌ی اصلی در صحنه‌ی ارتباطات در جهت

غرب به شمار می‌رفت که در قرن‌های پایانی اواخر عصر برنز پیشرو بوده است و ممکن است دوباره در قرن دهم تولیدات خود را در فلاسک‌های عدسی شکل مشخص اضافه کرده باشد. از اینجا ارتباطات به سمت کرت سوق پیدا کرد که اولین قدم به سمت مدیترانه غربی حداقل تا ساردینیا^{۲۴} بود؛ جایی که در کتیبه‌ی فنیقی قرن نهم واژه‌ی تارشیش^{۲۵} به معنی تصفیه خانه درج شده است. احیای مسیرهای دور دست در اواخر هزاره‌ی دوم که توسط قبرسی‌ها راه گشایی شده بودند، توجه به فلزات ارزشمند این ناحیه (نقره و شاید قلع) را نشان می‌دهد. برنزکاری‌های ظریف قبرسی-فنیقی، هم در کرت و هم در ساردینیا، پیچیدگی صادرات‌هایی را نشان می‌دهد که اکنون دوباره در این مناطق معرفی شده‌اند.

ایستگاه‌های تجاری در ساردینیا، امکان دسترسی به چرخه‌های داد و ستد بومی در سواحل غربی مدیترانه را با متصل کردن شبه جزیره‌ی ایتالیا، شمال غرب آفریقا و ایبریای^{۲۶} جنوبی (و بنابراین قلع مسیر اقیانوس اطلس) را فراهم کرد و توانست انواع

Tell Miqne .12

13. یک نوع کوزه ی دو دسته ای که در یونان باستان و روم

استفاده می شد (Transport Amphorae)

14.Ashkelon: شهری در جنوب اسرائیل

15.Lachish

16.Zemer 1977

17.Hiram King

18. بندرگاه دریایی معروف باستانی فنیقی، شهری در

جنوب لبنان

19.Ophir

20.Liverani 1987: 72-3؛ رویداد 8 I Kings

21.Anatolia: شبه جزیره بزرگی که بخشی از ترکیه را

تشکیل می‌دهد و در آسیا قرار دارد، آسیای صغیر

22.Crete: جزیره یونانی در دریای مدیترانه.

23.Pryor 1988: شکل‌های 2 و 27

24.Sardinia: جزیره نیمه خودمختار ایتالیایی واقع در

دریای مدیترانه

25.Tarshish

26.Iberia: شبه جزیره ای که کشورهای اسپانیا و پرتغال

در آن قرار دارند، کشور باستانی واقع در قسمت شرقی

گرجستان کنونی





مختلف مواد خام را تأمین کند؛ این قبیل فعالیت‌ها می‌تواند دلیل اصلی تاریخ‌های خیلی قدیمی برای تأسیس کادیز^{۲۷} و یوتیکا^{۲۸} باشد. ارتباطات با جوامع شهری اولیه‌ی ویلانوا^{۲۹} ایتالیا و پیوندهای محکمی که با اروپای مرکزی داشتند، به نظر می‌رسد اکثراً غیرمستقیم بوده و از طریق ساردینا صورت می‌گرفته است.

مسیر دیگری از طریق رودس^{۳۰} با نقطه‌ی گرهی در تنگه‌های محافظت شده‌ی یورپوس^{۳۱}، بین اوبه^{۳۲} و سرزمین اصلی یونان، به اژه منتهی می‌شد. اینجا، انتهای ساحل جذر و مدی خالکیس^{۳۳}، توقفگاهی طبیعی برای کشتی‌هایی بود که انتظار سفر از ساحل شرقی یونان به سمت شمال اژه و یا برقراری ارتباط با شبکه‌های داد و ستد موجود را می‌کشیدند؛ اهمیت این اقامتگاه توسط مقبره‌های غنی در لفکندی^{۳۴} با جواهرات طلايشان، لباس فاخر، کار برنزی قبرسی-یونانی، ظروف شیشه‌ای عطر و جواهرات بدلی و لعابی مصری شده نشان داده شده است. ظاهراً این جامعه از طریق رفت و آمد جهت جستجوی مواد و متریال با ارزش مانند نقره‌ی نزدیک لاورئون^{۳۵} و کسب تکنیک‌های کار با فلزات و کالاهای خارجی، در حال غنی شدن بود و مانند غرب مدیترانه، تاریخ‌های سنتی پس از آن، معطوف می‌شود به فعالیت فنیقی‌ها در جزایر اژه، مثل جزیره طلاخیز تاسوس^{۳۶}. قرن نهم، با احداث بندرگاه مصنوعی در شهرهای ساحلی لوانتین، مانند شهر تبت ال همان^{۳۷} و استفاده‌ی مجدد از کشتی‌های باربری بزرگ‌تر، شاهد تشدید و قوت این الگو بود. اکنون لوانت شمالی از اهمیت بیشتری برخوردار شد چراکه احیای آشور، به شهرهای ساحلی که کالاها را از فنیقیه به سوریه تأمین می‌کرد، حیات دوباره بخشید و شاید موجب استقرار تجاری فنیقیه شد^{۱۵}؛ همچنین این منطقه به سرمایه‌گذاری‌های تجاری دریایی به سمت غرب ملحق شد. معمولاً کارهای فلزی شمال سوریه در لفکندی به چشم می‌خورد، درحالی‌که فنجان‌های سفالی اوبویی و کوزه‌های دهانه گشاد و دسته دار آنتی یافت شده در قبرس، نشان می‌دهد علاوه بر مواد و متریال ارزشمند از سراسر مناطق داخلی

کشور، برخی کالاهای تولیدشده، در ازای چیزی درحال برگرداندن بود. تا پایان قرن، فنجان‌های اوبویی را همراه با اجناس قبرسی در شهرهای بندری در سیلیسیا^{۳۸} و خلیج اسکندرون مانند آل مینا می‌توان یافت. اکنون ممکن است اژه‌های متربال دیگری را نیز مانند آهن که در اوبویا و در مقادیر قابل صدور تولید می‌شده، تأمین کرده باشند^{۴۰} و اگرچه شواهد مستقیمی وجود ندارد اما بعید نیست که تولید اولیه آن در چنین مراکز تخصص فنی متمرکز شده باشد. منسوجات یونانی نیز با نقوش هندسی در سفال‌ها مشخص می‌شوند^{۴۱}.

افزایش میزان حمل و نقل در محور شرق-غرب مدیترانه منجر به رشد مناطق استراتژیکی در طول مسیر شد. در قبرس، این شدت و قوت در سیاسی شدن ارتباطات فنیقی‌ها، از طریق ایجاد کلنی رسمی در شهر بندری کیتیون^{۴۲} به وضوح نمایان است و به وسیله‌ی معابد باشکوه و شاید وابسته به بهره برداری معادن مس در تاماسوس^{۴۳} نشان داده شده است. سایر شهرهای ساحلی مانند آماتوس^{۴۴} نیز رونق پیدا کرد. تعدادی از

27. Cadiz: شهر بندری باستانی در اسپانیا

28. Utica: نخستین مستعمره آفریقا که توسط فنیقیان

تأسیس شد و بعداً پایتخت روم آفریقا شد

29. Villanovan: کهن‌ترین فرهنگ عصر آهن در شمال و

غرب ایتالیاست.

30. Rhodes: جزیره بزرگ یونانی در دریای اژه؛ شهر بندری

اصلی در جزیره رودس (یونان)

31. Euripos

32. Euboea: بزرگترین جزیره در یونان مرکزی در دریای اژه

33. Chalcis: شهر باستانی در جنوب شرقی یونان در سواحل

غربی اوبویا

34. Lefkandi: جزیره ای در امتداد جناح شرقی آتیکا (

سرزمین تحت کنترل آتن)

35. Lavrion

36. Thasos: جزیره‌ای در شمال شرقی یونان در شمال دریای

اژه

37. Tabat-el Hamman

Kestsmont 1985

39. Cilicia: تنگه سیلیسیا در جنوب ترکیه

40. Bakhuizen 1976

41. Barber 1991

42. Kition

43. Tamassos

44. Amathus

سرمایه‌گذاری مشترک: قرن هشتم (شکل ب)

اهمیت شبکه‌ی دریایی که در دو قرن اول هزاره‌ی اول ایجاد شده بود در حالی افزایش یافت که مناطق سرزمین مجاور به طور روزافزون تحت تأثیر آن قرار می‌گرفتند؛ رشد مداوم آشور موجب تجارت و خراج از شهرهای لوانتین شد که جست و جویشان را برای سایر متریال‌های ارزشمند غرب تشدید می‌کرد؛ ظهور ایالت‌های شهری در اژه مراکز جدید تولید و تقاضا برای مواد خام را افزایش داد و مرکز بومی ویلانوی ایتالیا و اسپانیای جنوبی تحت تأثیر ارتباطات خارجی مستحکم توسعه یافت^{۴۴}. بازرگانان مسافت‌های دور به جای ارتباط برقرار کردن با حاشیه‌های چرخه‌های دادوستد بومی، شروع به نفوذ نزدیک‌تر به منابع دخیل کردند. منطقه‌ی توسعه یافته که در چارچوب فعالیت‌های صنعتی پیشرفته (منسوجات و عطرها) اکنون تا اژه توسعه یافته بود، توانست محصولات صنعتی خود را به سمت غرب صادر کند و هم‌اژه‌ای‌ها و هم‌لوانتینی‌ها با فنیقی‌هایی که در حال پیشروی به سمت غرب بودند، در مأموریت‌های تجاری و بنیادهای استعماری در مرکز مدیترانه شرکت می‌کردند. پیچیدگی این الگو زمانی افزایش یافت که بازیکنان دیگری به بازی ملحق شدند.

افزایش اهمیت قلمرو آشور منجر به شکل‌گیری ایالت‌های وابسته در حاشیه‌ی آن شد: مانند رقیب قدیمی‌تر قلمروهای آرامی^{۴۵} و اورارتو^{۴۶} در شمال سوریه، ظهور خاکسپاری‌های سلطنتی شکوهمند در

ظروف شیشه‌ای قبرسی-فنیقی در رودس و کاس و همچنین در کرت نمایان شدند و طولی نکشید که نسخه‌های محلی به دنبال آن آمد (برای دوباره بطری کردن روغن‌هایی که در حجم بالا وارد می‌شدند)، این درحالی است که گورهای قبرستان تکه^{۴۵} در نزدیکی نوسوس^{۴۶}، کاسه‌های حکاکی‌شده‌ی فنیقی و جواهرات طلا را که اثبات وجود صنعتگران متخصص شرقی بوده در خود نگه داشته بودند^{۴۷}. تا پایان قرن، شهر بندری کموس^{۴۸} در جنوب کرت، با دستاوردهایش از آمفوری بزرگ مخصوص حمل و نقل لوانتین، یک معبد فنیقی به دست آورده بود^{۴۹}.

این مرحله از ارتباطات در قرن نهم و دهم^{۵۰}، با اختلاف چشمگیری بین دولت‌شهرهای احیا شده در ساحل شرقی مدیترانه و منطقه ارتباطی دریایشان متمایز شده بود؛ با وجود اینکه به نظر می‌رسد مراکز بومی در حال رشد (مانند مراکز لفکندی و آتن) از طریق روابط دورادور بازرگانان لوانتین برانگیخته شده بود. چنین نقاط تماسی معمولاً در جزایر برقرار می‌شد، شاید خود جزیره‌ها هم حاشیه‌های سیستم‌های داد و ستد بومی بودند. این جریان‌های تجاری متعلق به مرحله‌ی فعالیت پیش از استعمار است که به نظر می‌رسد تنها با شروع الگویی مدون‌تر، یک جست و جوی ناپایدار برای متریال‌های ارزشمند بوده است. همانطور که در شرح هومر^{۵۱} از نبرد ادیسیه^{۵۲} با فنیقی‌ها مشخص است، دزدی دریایی و ستاندن نابجای محموله‌ی دریایی و برده‌ها احتمالاً بخشی از توصیف اوایل این دوره بوده است. با این حال این مسئله در نیمه شرقی مدیترانه تدریجاً جای خود را به جذب دوباره‌ی برخی از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی شرق نزدیک داد که در معابد و پرستشگاه‌ها نشان داده شده است، مانند استفاده از روغن‌ها در آئین‌های مراسم مذهبی و ماهیت تلفیق‌کننده‌ی محتوا و درونمایه‌ی هنری لوانتین^{۵۳}، و شاید هم جای دادن برخی تخصص‌های منطقه‌ای در تولید - مثلاً در تولید آهن و مس - که مشخصه و ویژگی مرحله‌ی بعدی می‌شد. اما شکل‌گیری ارتباطات تجاری از طریق کلنی‌ها و رشد واحدهای سیاسی بزرگ‌تر و تعریف برچسب‌های قومی که پیامد آن بود، عمدتاً از ویژگی‌های قرون بعدی بود.

Tekke .45

Knossos .46

Coldstream 1982 .47

Kommos .48

show 1989 .49

Gehring 1984 and Niemeyer 1990T .50

Homer .51

Odysseus .52

Rowlands .53

Frankenstein 1979 .54

Aramaean .55

Urartu .56





گوردیون^{۵۷} واقع در فریگیای^{۵۸} و سالامیس^{۵۹} واقع در قبرس^{۶۰} اشاره دارد بر پیدایش سیاست‌های جدیدی که فرمانروایان سلسله‌ای، حضور سیاسی خود را با آیت‌های فخرفروشانه از فرهنگ ممتاز لوانتین و آشوری اعلام می‌کردند مانند ارابه‌ها، سریرهای عاج و برنز و ظروف نوشیدنی فلزی اورارتویی و سوریه‌ی شمالی. از اواخر قرن به بعد، ممکن است آیت‌های منحصر به فردی از جاهای دوردست قفقاز، غرب ایران (لرستان) و بابل، در معابد و پرستشگاه‌های مدیترانه‌ی شرقی یافت شود.

این متراکم شدن نقشه‌ی سیاسی مدیترانه‌ی شرقی، نشانه‌ای از افزایش تراکم تجارت غرب-شرق است که شرایط طبیعی مدیترانه‌ی شمالی باعث اهمیت آن شده بود: مسیر ساحلی آفریقای شمالی به سمت غرب از مصر تا تونس که بعضی مواقع به فنیقی‌ها منتسب می‌شد^{۶۱}، از لحاظ تاریخی برای این دوره است و به طور مرتب تا قبل از اواخر قرن هفتم مورد استفاده قرار می‌گرفت. حمل و نقل دریایی غرب، پیرو ساحل آناتالیای جنوبی از قبرس تا رودس بود و پس از آن، هم می‌توانست خلاف جهت عقربه‌های ساعت به سمت اژه دور بزند و هم به مسیر خود از دو رود به سمت غرب ادامه دهد: یا در امتداد حاشیه‌ی جنوبی، از میان کرت و بالای ساحل غربی یونان جهت عبور از جنوب ایتالیا و سیسیلی و یا از میان مجموعه جزایر یونان به ایویا و آتیکا. در اینجا مسیر غربی دیگری برای کشتی‌های کوچک امکان پذیر بود؛ این کشتی‌ها با استفاده از تنگه‌ی کرینتوس^{۶۲} از مسیرهای خطرناک کیپ ماللا^{۶۳} واقع در جنوب پلپونز^{۶۴} دوری می‌کردند. کارگزاری‌های فنیقی‌ها مانند کوموس، مسیر کرتان^{۶۵} را ایجاد و تأمین کرد و مسیر بعدی بستگی به میزان همکاری با بومیان جوامع یونانی داشت. شاید این مسیرها توسط بازرگانان شهرهای مختلف لوانتین راه اندازی شده بود؛ ارتباطات بین ایویا و شمال سوریه، این امکان را فراهم کرد که زنجیره‌ی مشارکت تجاری تا آن زمان برقرار شود، شاید هم‌راستا با درگیری‌های شهرنشینی فنیقی‌ها (از طریق کیتیون، از بین سایرین) بر سر مسیر اژه جنوبی بود^{۶۶}. این حوزه‌های مکمل فعالیت (اگرچه که لزوماً همپوشانی دارند) به میزان

قابل توجهی بیشتر از غرب بود. اژه‌ای‌ها باید حجم قابل ملاحظه‌ای از حمل و نقل را که هم کشتی‌رانان بومی و هم شرقی بدون رقابتی آشکار در آن شرکت داشتند را دیده باشند. در واقع این در شرایطی است که انتقال نموده‌های فرهنگ مشرق زمین (تدابیر مراسم تشریفاتی، اسطوره‌ها و نگاره‌های همراه آن، استفاده از نگارش الفبایی^{۶۷}) صورت گرفت و با نیازهای مکتب‌های سیاسی در حال حضور سازش یافته بود. منطقه‌ی مرکزی شکل‌گیری ایالت ساحلی یونان، ناحیه‌ای با چشم انداز شرقی به سمت ایویا و خلیج سارونیک با زنجیره‌ی حمل و نقل از طریق تنگه بود (خالکیس، ارتریا^{۶۸}، آتن، کورینتوس، ارگوس^{۶۹})؛ اما پناهگاه‌های بین‌المللی در نقاط گرهی مسیرهای ساحل (از بین سایرین لیندوس^{۷۰}، ساموس^{۷۱}، دلوس^{۷۲}، دلفی^{۷۳}، فرای^{۷۴}، پراکورا^{۷۵}، المپیا^{۷۶}) به یک میزان قابل توجه بودند. این موارد کارکردهای تشکیلات جهت نیازهای ملوانان و مسافران را (بعضا شامل پناهگاه فاحشه‌ها) با کانون هویت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توأم ساخت. رابطه‌ی بنیادی بین مذهب و تجارت که پیش از این در

Gordion .57

Phrygia .58: منطقه‌ی باستانی در جنوب غربی آسیای صغیر

در منطقه‌ی ترکیه کنونی

Salamis .59

Rupp 1987 .60

Schauer 1983 .61

Corinth .62: شهری در یونان قدیم

Cape Malea .63

Peloponnes .64: شبه جزیره‌ی بزرگی که بخش جنوبی

یونان را تشکیل می‌دهد

Cretan .65: مربوط به جزیره‌ی کرت

شکل 2, Winter 1979, Boardman 1990 .66

Sourvinou-Inwood; Morris 1992 .67

Eretria .68

Argos .69: شهری در یونان باستان

Lindos .70

Samos .71

Delos .72

Delphi .73

Pherai .74

Perachora .75

Kilian-Dirlmeier 1985 .76



عکس ۱ نمای شماتیک از کشتی تجاری که با بار کوزه روی کوزه‌ی قبرسی مربوط به اواخر قرن هشتم. عکس از موزه انگلیس

ارتباط با کارگزاری‌های فنیقی‌ها مورد توجه قرار گرفته بود، مانند کیتیون و کوموس، در اینجا بعد جدیدی را به عنوان بخشی از فرایند فرهنگ‌پذیری به خود اختصاص داد که ابتدا توسط یونانیان فراگرفته شده بود و سپس این عناصر مشرق زمین به قسمتی از آگاهی در حال رشد در سراسر یونان تغییر شکل داد که مراکز مذهبی دلوس، دلفی و المپیا نقش بسیار حائز اهمیتی را در آن ایفا کرد.

مسیرهای غربی در امتداد سواحل غربی یونان تا اطراف دریای ایونیا^{۷۷} همگرا و همسو بود و از مسیر طولانی به سمت ایتالیا جلوگیری می‌کرد؛ همانطور که محتمل به نظر می‌رسد، احتمال مواجه شدن قایق‌های فنیقی بزرگ‌تر به مسیر مستقیم به سمت سیسیل بیشتر بود نسبت به قایق‌های کوچک‌تری که برای حمل و نقل در سراسر تنگه‌های کورنتوسی مناسب بود- عملی که در تاریخ تجارت مسافت‌های دور شناخته شده است(و) مورد استفاده‌ی وایکینگ‌های وارانگی^{۷۸} بوده تا در مسیر دریای سیاه از بین رودخانه‌های روسیه حرکت کنند).

مراکز فنیقی‌ها در غرب مدیترانه به صورت مثلث دسته بندی شدند و متشکل بودند از سیسیل غربی، ساردینیای جنوبی و خلیج تونس و محل اتصالشان در یوتیکا/ شهر کارتاژ^{۷۹} بود. برخی از این مناطق تا آن زمان موقعیت مستعمرات رسمی را برست آورده بودند اما علاقه‌ی آن‌ها به تجارت بود تا تصاحب قلمرو. آن‌ها به شبکه تجارت رو به رشد بومی که با مداخله‌ی فنیقی‌های پیشین تحریک شده بود، دسترسی پیدا کردند، به این صورت که از طریق اسپانیای جنوبی و جزایر اسپانیا^{۸۰} به سمت ساردینیای شمالی و تیرونی^{۸۱}، به راه‌های ارتباطی اواخر عصر برنز در اقیانوس اطلس ملحق شدند^{۸۲}.

قلع و مس اقیانوس اطلس از منابع ریو تینتو^{۸۳} باعث شد که این توسعه و گسترش تقویت شود^{۸۴}.

پست‌های بازرگانی فنیقی‌ها(تا قبل از تبدیل شدن به مستعمرات) در ساحل آندلوس^{۸۵} واقع در توسکانوس^{۸۶}، چورراس^{۸۷} و مورو دو مزکوئیتیللا^{۸۸} مستقر شده بودند^{۸۹}، و همزمان کار با آهن نیز در این ناحیه آغاز شد. عنصری که به همان اندازه در تکنولوژی جدید مهم بود، ذوب و جداسازی به منظور استخراج نقره بود. پست‌های ثابت برای فنیقی‌ها، یونانی‌ها و سوری‌های شمالی که با

ایتالیا تجارت می‌کردند، هنوز شناخته نشده بود، در حالی که واردات پراکنده، منطق جغرافیایی و استقرار مستعمرات بعدی یونان، حاکی از حضور این پست‌ها در کالابریا واقع در جنوب ایتالیا (مانند فرانسویلا ماریتیم)^{۹۰} یا سیسیل شرقی بود. اما ماهیت فعالیت

77. Ionia: وابسته به مستعمره‌ی یونانی در کرانه باختر آسیای صغیر
 78. Varangian Vikings
 79. Utica/ Carthage
 80. Balearics
 81. Tyrrhenian: بخشی از دریای مدیترانه بین ایتالیا و جزایر سارد
 82. Ruiz Galvez Priego 1986; Harrison 1988
 83. Rio Tinto
 84. Rothenberg and Blanco-Freijeiro 1981
 85. Andalus
 86. Toscanos
 87. Chorreras
 88. Morro de Mezquitilla
 89. Niemeyer 1984
 90. Francavilla Marittima



آن‌ها با منطقه‌ی تیرونی، توسط استقرار و گورستان‌های پیتکوسا^{۹۱} در جزیره‌ی ایسکیا^{۹۲} واقع در خلیج ناپل^{۹۳} آشکار شده است^{۹۴}. این موارد حاکی از جامعه‌ی پلی اتنیک هست که شمال غربی سوریه، اوبه و عناصر بومی را در بر می‌گرفت. کالاهای وارداتی شامل کوزه لوانتینی، ظروف شیشه‌ای حاوی روغن، تعداد زیادی مهرهای صابونی، ظروف سفالی لعاب دار، کاسه‌های قرمز لوانتینی و فنجان‌های منقوش یونانی(عمدتا از شهرهای کورینتوس و اوبه) بود. کتیبه‌های آرامی و تزئینات برنزی لباس بومیان ویلانوا، از جمله کالاهاییست که توسط محلی‌ها ساخته می‌شد. دهانک‌های مربوط به دم در آهنگری و ریم آهن، گواهی بر کار بومیان با آهن آلات است که احتمالا از منابع غنی در الب^{۹۵} واقع در شمال اتروریا^{۹۶} به دست آمده و معرفی این تکنولوژی، بخش جدایی ناپذیری از فعالیت اولیه‌ی تجارت بود(به طور مثال در خود اوبه در دوران پیشین). پراکندگی مهرها و سفال‌های وارداتی را می‌توان در مقبره‌های کامپانیا^{۹۷}، لاتئوم^{۹۸} و اتروریا یافت و نقش این جامعه‌ی تجاری خاص و برون مرزی اساسا برای برقراری ارتباط با سیستم‌های دادوستد بومی بود. موقعیت این ایستگاه تجاری در کامپانیا، جایی دورتر از جنوب کانون رونق و شکوفایی بومی در اتروریا(با کارهای برنزی بسیار زیادش و ارتباطات نزدیک هم با اروپای مرکزی و هم با ساردینا) نشان می‌دهد که چنین فعالیتی در فاصله‌ای دور و توسط مافع قدرتمند محلی همچنان ادامه داشت. مقبره‌های سلسله‌ای غنی در جنوب اتروریا، رشد قدرت سیاسی را در آن‌جا تا پایان قرن نشان می‌دهد، در حالی که زیربنای ارتباطات شرقی اژه‌ای توسط زیست‌گاه‌های اوبه‌ای واقع در بندرگاه‌های مناسب در شمال شرقی سیسیل در ساحل مقابل ایسکیا در کومه^{۹۹} تقویت شده بود(درست زمانی که اوبه‌ای‌ها هم در حال گسترش یافتن در اژه و شمال شبه جزایر کلسیدیس^{۱۰۰} بودند). خیلی زود جوامع دیگر نیز با گریز زدن از مسیرهای کورینتوس، مگاریان^{۱۰۱} و کرتان به مسیر غربی ملحق شدند؛ شاید با اخائیه‌ای‌ها^{۱۰۲} مسیر زمینی از میان کالابریا را کشف می‌کردند؛ اکنون برخی از مکان‌های سیسیل، معبد و بازار می‌توانند به عنوان مستعمرات

رسمی توصیف شوند^{۱۰۳}. بنابراین قرن هشتم، توسعه‌ی امپراطوری در لوانت را در خود دید و توسعه‌ی اقتصادی منجر به تشکیل دولت در اژه شد. هم لوانتی‌ها و هم اژه‌ای‌ها با استفاده از مزیت‌های متمرکز کردن سرمایه و مهارت فنی در ساخت کشتی‌های بادبانی برای مسافت‌های دور جهت برقراری ارتباط با سیستم‌های تجاری محلی، جایی که احتمالا بادبان به صورت گسترده استفاده نمی‌شد، از منابع مدیترانه‌ی مرکزی بهره‌برداری کردند. آشنایی با این منطقه که دربردارنده‌ی تکنولوژی‌های جدید در زمینه‌ی استخراج و ساخت فلز(به خصوص نقره و آهن)، ذخایر فراوان محصولاتی با تولید انبوه(ظروف لعابدار و شیشه‌ای، منسوجات، روغن و شراب) و طرز تفکراتی که به صورت نمادین استفاده می‌کردند، بود، به بازرگانان امکان دسترسی به ذخایر کمیابی همچون نقره یا قلع را داد که در اقتصادهای پیشرفته‌تر شرق مورد تقاضا بود. این فعالیت تجاری برون مرزی، برخی ویژگی‌های غیررسمی پیشین خود را حفظ کرده بود و این مسئله به جای اینه ناشی از فقدان آگاهی کل گروه‌های قومی باشد، از رقابتی که احتمالا مشارکت‌های تجاری رقابت آمیز را شکل میداد، ناشی می‌شد. با این حال، یک تقسیم بندی کلی بین فنیقی‌های شهرنشین(عمدتا تیرانی‌ها) با دیگر دسته بندی‌ها مشهود است و گسترش کنترل سیاسی از طریق تشکیل مستعمرات رسمی حاکی از

Pithecusae .91

Ischia .92

Naples .93

Buchner 1982; Ridgway 1971 .94

Elba .95

Etruria: کشور باستانی که قبلا در منطقه ی توسکانی

امروزی قرار داشت

Campania: در جنوب ایتالیا که مرکز آن شهر ناپل است

Latium: منطقه ی باستانی ایتالیا واقع در جنوب شرقی

روم

Cumae: اولین شهر مهاجرنشین یونانی در ایتالیا بود و

بقایای آن در نزدیکی شهر ناپل است

Chalcidice: واقع در ساحل دریای اژه یونان

Megarians .101

Achaeans: شهری در یونان باستان

Boardman 1980 .103

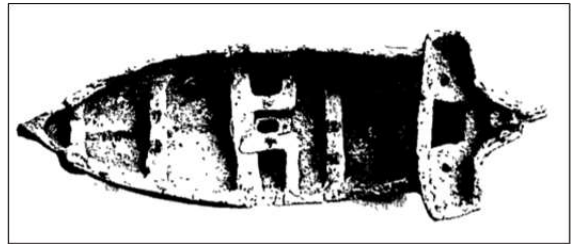
یک تمایز در حال رشدی از منافع و تعیین انحصاری مسیرهاست. اکنون محدودیت‌های جغرافیایی شروع به ایجاد فرصت‌های خاص به جوامع واقع در نقاط تنگاتنگ کرد، که از این میان خلیج کورینتوس بسیار حائز اهمیت بود.

شکاف‌گاه بزرگ؛ قرن هفتم (شکل ج)

زمانی که امپراطوری آشوریان به اوج خود رسید، فرایند شرقی سازی و پیدایش ایالت‌های جدید، به سمت غرب یعنی ایتالیا و اسپانیا جریان پیدا کرد، ولی این جریان در هر دو مورد فرایند و پیدایش نه صرفاً به سمت سواحل جنوب شرقی جایی که روابط فنیقی‌ها و یونانی‌ها بسیار قوی بود، بلکه به سمت مراکز بومی حکومت که روابط مستقل با سرزمین‌های داخلی اروپایی داشتند نیز ادامه پیدا کرد.

همانطور که مرزهای شهری شدن به سمت غرب حرکت می‌کرد، محیط جدیدی نیز شروع به ایجاد شدن کرد و آهنگری با تأثیرات ریشه‌ای بر جوامعی که تا کنون پیرامون رواج برنز سازماندهی شده بودند، در اروپای مرکزی رایج شد. تقاضای امپراطوری آشوریان برای دریافت مالیات از شهرهای لوانتین ادامه پیدا کرد تا سرمایه گذاریشان در غرب را تشدید کنند، در حالی که تلاش‌ها برای تعیین قلمرو میان شبکه‌ی ایالت‌های شهری یونان، تقاضای در حال رشدی را برای برنز و آهن تضمین می‌کرد.

در داد و ستدهایی که درون این مناطق ایجاد شده بود، اکنون عنصر جدیدی از رقابت نمایان شد. نقشه‌های پراکندگی از برنزکاری شرقی مربوط به قرن هشتم،



عکس ۲ سفالینه‌ی مربوط به قرن هفتم از کشتی بازرگانی بزرگ از آماتوس (Amathus)، قبرس (طول ۱۴ سانتی متر. عکس از موزه‌ی انگلیس)

همچون کاسه‌های فنیقی-قبرسی^{۱۰۴}، شمعدان چند شاخه^{۱۰۵}، یا مهرهای نوازندگان چنگ، یک نوار متوالی از لوانت تا ایتالیا، در مسیرهای مذکور فوق(و اغلب در پناهگاه‌های مورد اطمینان اژه) را نشان می‌دهد؛ کوزه‌های برنزی فنیقی مربوط به قرن هفتم، یا دیگر کاسه‌های به سبک شرقی(اکنون اغلب از جنس نقره یا طلا) نشان دهنده‌ی یک پراکندگی توسعه یافته در غرب هستند که از طریق یافته‌های مدیترانه‌ی شرقی توسط یک حفره‌ی یونانی شکل بزرگ جدا شده است^{۱۰۶}. این الگوها اشاره دارد بر تولیدات بومی که اکنون جایگزین بسیاری از کالاهای خارجی پیشین شده است و آن فنیقی‌هایی که احتمالاً تاکنون به طور مؤثر از مسیرهای تجاری از طریق اژه محروم بودند، با سرزمینی مبتنی بر آگاهی قومی، مزیت بیشتری پیدا کرده‌اند.

همچنین قرن هفتم یکپارچگی در حال رشدی در مناطق دریایی و درون مرزی را شاهد بود، و به خصوص محل اتصال آناتولیا و ساحل شرقی اژه منجر به رشد ایونیا و لیدیای^{۱۰۷} شد که این به واسطه‌ی ارتباطشان با رود میاندر^{۱۰۸} و هرموس^{۱۰۹}، با منبع غنی‌ایی از الکتروم در رود فرعی پکتولوس^{۱۱۰} بود. جوامع یونانی در ناحیه شرقی اژه، در ایونا و رودس، نقش خود را در تولید انواع فلزکاری شرقی، عطرها و منسوجات و همچنین ظروف سفالی نقاشی شده که در نوع خود کالا تلقی می‌شدند، گسترش داد، مانند ست نوشیدنی(تزیین شده با نقوش منسوجات شکل دار) و ظروف دکوریب رای محصولات ارگانیک. روابط با شمال سوریه از بین نرفت و حجم زیادی از ظروف سفالی ایونی جهت حذف کالاهای قبرسی به آنجا صادر می‌شد. مسیر به سمت غرب، هم برای سرزمین

104. Markoe 1985

105. شکل 10: Matthaus 1992

106. شکل های 11 و 14: Markoe 1985; Matthaus 1992

107. Lydia

108. Maeander: رودی واقع در غرب ترکیه

109. Hermus

110. Pactolus



اصلی یونان(که به واسطه‌ی تنگه‌ی کورینتوس باریک می‌شود) و هم برای مصرف کنندگان در ایتالیا، به یک میزان اهمیت داشت. میزان حمل و نقل در این شریان اصلی از اژه‌ی شرقی، فرصتی را برای افزایش تولید ارزش افزوده فراهم کرد: یکی محصولات نسبتاً زیاد که به وسیله کوزه‌های با با تزئین رنگی SOS ارائه شده بود و دیگری روغن‌های معطر و ظروف ساخت کورنتوس که اکنون به دلیل موقعیت منحصر به فردش در شبکه مخاطبین تجاری، کورنتوس را به برتری ویژه‌ای رساند. احتمالاً کورینتوس تولیدات منسوجات و فلزکاری را توسعه داده است، اگرچه این ظروف سفالی هستند که مشهودترین مدارک باستان‌شناسی از تجارت و تولیدات صنعتیشان است، به خصوص آلاباسترا و آریالیای تزئینی که به عنوان ظروف عطر استفاده می‌شد؛ با این حال مطالعات کمتری آموختن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.^{۱۱۱} این منطقه به دنبال پیشی گرفتن از اژه‌ی شرقی، در فرایند تشکیل سرمایه و تولید فنی پیشرفته در سرزمین اصلی، در صدر قرار گرفت.

قلمرو فنیقی‌ها در مدیترانه‌ی غربی، هم در تولید عمده‌ی کالاها مانند مواد رنگی و رنگرزی و هم کنسرو ماهی در کارخانه‌های ساحلی واقع در ایبریا، به واسطه‌ی رشد ایالت بومی تارتوسوس در دره‌ی پایینی رود گوآدالکوویر^{۱۱۲}، تنوع بیشتری ایجاد کردند.^{۱۱۳} فرایند مشابهی از رشد در اطراف شهر کارتاژ^{۱۱۴} اتفاق افتاد که نقطه‌ی برجسته‌ی تولید پیشرفته در منطقه‌ای شد که اکنون خودمختاری اقتصادی فزاینده‌ای را ایجاد کرده است. در ایتالیا، ایالت‌ها در اطراف شهرهای بزرگ‌تر در مرکز منطقه‌ی اتروریای جنوبی گسترش یافت، و کشتیرانان بومی جهت استثمار زمین‌های پشت ساحل خود در ساردینیا و لیگوریا^{۱۱۵} و هم جهت بهره‌مندی از حمل و نقل استعماری یونان و فنیقیه از مسیر تیرونی تردد می‌کردند. اطراف قسمت شمالی، متشکل شده بود از دره‌ی پو^{۱۱۶} و اسلوونی^{۱۱۷} و متریال‌های با ارزش اروپایی همچون کهربا که تا اتروریا و مدیترانه تعمیم یافت. دریای سیاه منطقه‌ی دیگری از نفوذ توسط یونانی‌ها بود، افزایش علاقه و گرایش به منابع طلا و نقره در اژه‌ی شمالی، و

شاید با فاز فعالیت قبل از استعماری و پیش از توافقات رسمی، توسط یونان شرقی بر سر فلزات گران‌بها در ساحل شمالی آناتولیا با روابطشان به داخل، از عوامل این نفوذ بوده است. این ناحیه با پیشرفت ایران و توسعه‌ی بیشتر در جاده‌های زمینی، در قرن بعدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد.

قدرتمند شدن و حمله به دشمن از جناح خارجی؛ قرن ششم (شکل ۱ د)

کلیات الگوی قرن بعدی را می‌توان به طور خلاصه بیان کرد. همانطور که در دوره‌های پیشین، میزان افزایش اقتصاد در شرق نزدیک، یک محرک قدرتمند رشد در سراسر نظام جهانی هم عصر محسوب می‌شد، تسلط موقت بیبیلون^{۱۱۸} و رشد سریع امپراطوری ماد و فارس باعث ایجاد مقیاس جدیدی از یکپارچگی از اژه‌ی شرقی تا هند شد. در این زمان تخصص در تولید و محصول به صورت گرافیکی توسط توصیفات از کیل^{۱۱۹} از تجارت تیر و بازرگانان بسیاری از جزایر نشان داده شده است؛ منطقه بندی محصولات حیوانی و کشاورزی در زمینه‌های پشت سال مشرق(حبوبات؛ روغن، عسل، صمغ گیاهی، شراب، پشم، گوسفند، بز، اسب، قاطر)، برنزکاری و برده‌ها از آناتولیا و اژه، فلزات از غرب دور و چیزهای شگفت آور دریای سرخ از این موارد بودند.^{۱۲۰} تا این زمان مراکز جدید در مدیترانه‌ی غربی و مرکزی، در حال تولید و استخراج کالاهای خود در حجم انبوه بودند، مانند کوزه‌های اتروسکی^{۱۲۱} که از سیسیل تا خلیج دو شیر^{۱۲۲} کشف شدند^{۱۲۳}. همچنین در همین

111. Salmon 1984

112. Guadalquivir: رودی در جنوب اسپانیا

113. Harrison 1988

114. Carthage

115. Liguria

116. Po

117. Slovenia

118. Babylon

119. Ezekiel 27: 12-23

120. Liverani 1988: شکل 129

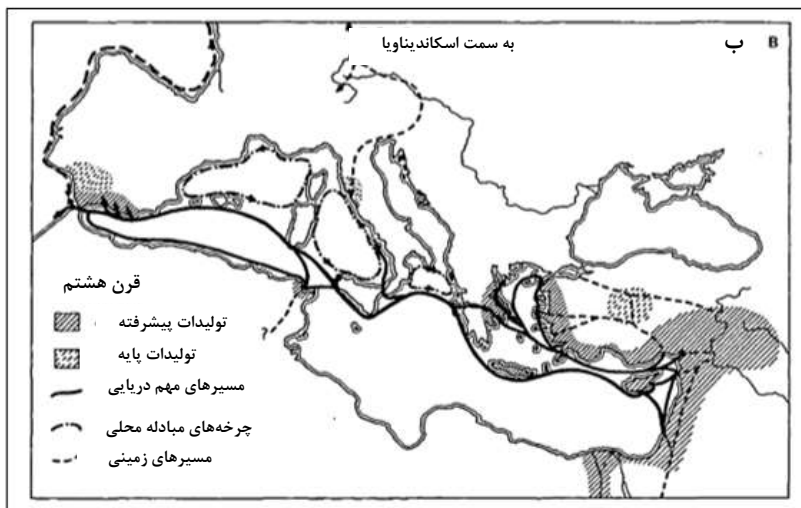
121. Etruscan: مربوط به اتروریا

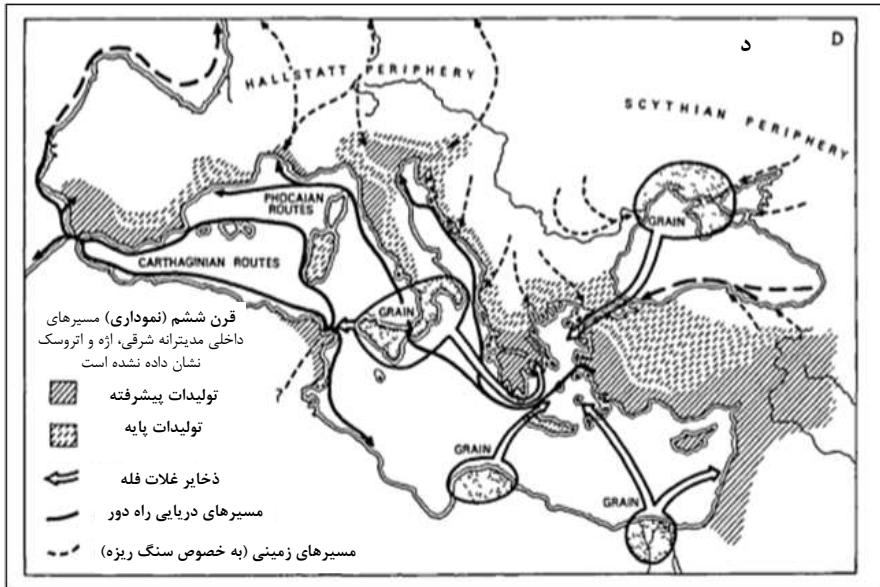
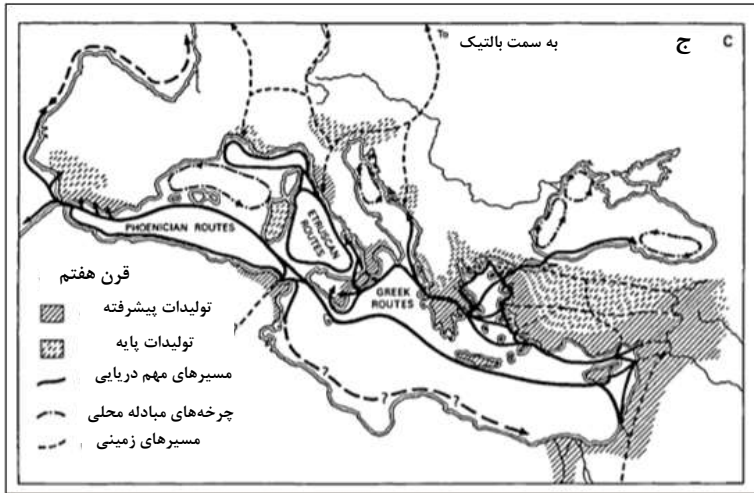
122. Du lion

123. Cristofani 1986

قرن، سرزمین‌های داخلی و گسترده‌ی روپای مرکزی در دوره‌ی هالس تات دی ظهور یافت. منطقه‌ی اژه یک آستانه‌ی مهمی را پشت سر گذاشت، به طوری که شهرهای آن از لحاظ کشاورزی دیگر خودپشتیبان نبودند و باید به واردات غلاتی که هزینه‌اش تا حدودی با صادرات نقره پرداخت شده بود، متکی می‌شدند. برای چنین مقیاسی از حمل و نقل لازم بود ماهیت شبکه‌ی دریایی را تغییر داد.

شکل ۱ نقشه‌های مقایسه‌ای از توسعه‌ی راه‌های دریایی مدیترانه‌ای و رشد اقتصادی منطقه‌ی ای، ۱۰۰۰-۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح. نقشه‌ی د با حذف مدیترانه‌ی شرقی و مسیرهای اتروسمی مختصر شده است اما تخصص منطقه‌ی ای در حال رشدی در خصوص تولیدات را نشان می‌دهد.





تفاوت در حال رشد اقتصاد مدیترانه‌ی شرقی، در کل، مستلزم افزایش نقدینگی بود تا پیچیدگی داد و ستدهای درون منطقه‌ای را متعادل کند؛ نقره که در حال حاضر تا اندازه‌ای در دسترس هست، نه تنها یک مصرفی با ارزش و مهم، بلکه کالایی در جهت تنظیم جریان تولید و پرداخت‌های حسابداری مالیات محسوب می‌شد. جریان‌های شمش و استفاده از واحدهای وزن شده، از ابتدا ویژگی توسعه‌ی اقتصادهای شهری بوده است و ریخته‌گری‌های ثبت شده در وزن‌های واحد، از قرن هشتم در شمال سوریه شناخته شده است^{۱۲۴}. واحدهای ضرب شده‌ی سکه که در سطح محلی الکتروم^{۱۲۵} تولید می‌کردند (و خیلی زود پس از آن ضرب طلا و نقره به طور جداگانه تولید شد)، در اوایل قرن ششم در ساردیس واقع در لیدیا ضرب سکه می‌زدند و خیلی زود نتایج قابل مقایسه‌ای در هر دو سمت اژه در مناطق تولید نقره، ایجاد شد؛ سکه‌ها در سیسیل، جنوب ایتالیا و سیرنایکا^{۱۲۶} نیز تا اواخر قرن ضرب می‌شدند. شرق یونان، با دسترسی به منابع نقره‌ی شمال اژه، توانست از منطقه‌ی حاصلخیز مصر نهایت بهره و استفاده را ببرد، جایکه انجمن تجارت در ناوکراتیس^{۱۲۷} (که از اواخر قرن هفتم تصرف شده بود) توانست غلات زیادی برای شهرهای با محدودیت منابع کشاورزی فراهم کنند. ذخایر بیشتر را نیز توانست از مستعمرات کشاورزی واقع در سیرنایکا و از سکونت گاه‌های مشابه که اکنون واقع در کرانه‌های دریای سیاه است، بدست آورد. آن با دارا بودن برتری از لحاظ منبع بومی نقره (لاواریون / توریکاس)^{۱۲۸} توانست از مستعمرات سیسیل استفاده کند که به طور فزاینده‌ای در تولید غلات تخصص داشتند. کشتی‌های بزرگ و مناسب برای حمل و نقل غلات دیگر نتوانستند از تنگه‌ی کورینتوس عبور کنند و اکنون به ناچار گذرگاه غربی برای مسیر اطراف کیپ مالا مورد استفاده قرار گرفت. تأثیر این الگوی جدید از حمل و نقل انبوه منعکس شد در تغییر چشمگیر سفالینه‌هایی که در اواسط قرن ششم به ایتالیا صادر می‌شد؛ از کورینتوس و یونان غربی به آتیک^{۱۲۹}، زمانی که اقتصادهای معیار (نسبت به معیار زیبا شناختی) به این محموله‌های تولیدی مکمل تمایل پیدا کردند. پیچیدگی قابل توجه دیگر در رابطه با این موضوع توسط گزارش هرودوتوس^{۱۳۰} در

خصوص مداخله‌ی فوکایی‌ها^{۱۳۱} در غرب مدیترانه ارائه شده است که بنا به گفته‌ی وی استفاده از کشتی‌های جنگی جهت نفوذ به اطراف منابع ثابت و رسیدن به آدریاتیک^{۱۳۲}، تیرنا و ایبریا و مستقیماً به تارتسوس را با پیچیدگی مواجه کرد^{۱۳۳}. اکنون جایی که لازم بود با غلبه بر مقاومت در جنگ‌های دریایی، این جنبش با دستیابی مستقیم به خروجی‌های اصلی مسیر اروپای مرکزی، در رأس آدریاتیک (اسپینا)^{۱۳۴} و در دهانه‌ی رود رون^{۱۳۵} (ماسالیا)^{۱۳۶}، اتروسک ایتالیا را دور زد؛ و همچنان با دنیای آتلانتیک در غرب دور در ارتباط بود. زنجیره‌ی روابط دور به طور مداوم از مرزهای ماد به سمت سلت^{۱۳۷} حرکت می‌کرد^{۱۳۸}.

نتیجه‌گیری: الگوهای توسعه و پیشرفت

در هزاره‌ی قبل از میلاد مسیح، اکثر مدیترانه عملاً ماقبل تاریخی محسوب می‌شد؛ تا ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به صورت مجموعه‌ای از مناطق کاملاً متمایز شده در یک سیستم جهانی شکل گرفت. این تغییر شکل نه توسط اشاعه‌ی منفعل "تمدن" بلکه توسط واکنش و مداخله‌ی فعال به وقوع پیوست. چرخه‌های داد و ستد دریایی در سطح محلی و

Balmuth 1971. 124

125. آلیاژی از طلا و نقره به رنگ زرد کم‌رنگ

126. Cyrenaica: منطقه تاریخی تحت استعمار یونانیان باستان که بخش شرقی لیبی را در همسایگی دریای مدیترانه اشغال کرده بودند

127. Naucratis

128. lavarion/Thorikos

129. شکل 13; Martelli; 1985; Cristofani 1986

130. Herodotus

131. Phocaeon

132. Adriatic: دریای آدریاتیک بین ایتالیا و یوگسلاوی

سابق

133. Herodotus I: 163; Shefton 1982

134. Spina

135. Rhone: رودخانه‌ی که از جنوب سوئیس و فرانسه

می‌گذرد

136. Massalia

137. Celts: مردمی که زمانی در جزایر بریتانیا و اسپانیا و

گول در دوران پیش از روم زندگی می‌کردند

138. Kimmig 1983; Nash 1985





مسیرهای تجارت راه دور پیش از این وجود داشتند و مراکز رشد آتی نیز قبلاً مشهود بودند؛ اما چیزی که آنها را به یک سیستم تعاملی واحد مرتبط می‌کرد، ورود سرمایه از شرق بود. کشتی‌های بزرگ و سازماندهی اقتصادی که وجود آنها را امکان پذیر کرد، ثروت جوامع در سراسر دریای مدیترانه را گرد هم آورد.

این تخصص دریایی و تمرکز سرمایه، در ابتدا از فنیقی‌ها آمد و کشتی‌های فنیقی احتمالاً بزرگ‌ترین کشتی‌هایی بودند که تا اواخر قرن هفتم در مسیرهای مدیترانه تردد می‌کردند. فنیقیه با ویژگی‌های دیگری از اقتصادهای پیشرفته‌ی شهری نیز توصیف می‌شوند؛ از جمله استفاده از نقره به عنوان وسیله‌ی داد و ستد، بردگی و تولید منسوجات و عطرها با بهره‌گیری از نیروی کار. پراکندگی تجارت فنیقی، موجب برقراری ارتباط با جوامع دارای سطوح مختلفی از سازماندهی اقتصادی و اجتماعی شد؛ معابد و پرستشگاه‌ها نقاط ملاقات مهمی را بین سیستم‌های اقتصادی مختلف گروه‌های محلی و فنیقی شکل دادند. در اژه، مشارکت‌های تجاری نزدیک در امتداد شریان اصلی ارتباط با شمال سوریه، منجر به پذیرش دگرگونی فرهنگی این الگو شد و در شمال غربی آفریقا و ایبریا فرهنگ استعماری ایجاد شد. اتروریا و تارتسوس دو حوزه از فرهنگ بومی، در برابر این جریان مقاومت کردند و با شرایط خودشان وارد شدند. و هر دو پایانه‌ی مهم مسیرها به ترتیب به سمت مناطق داخلی اروپایی، اروپای مرکزی و اقیانوس اطلس بودند. منطقه اژه نیز، زنجیره‌های تجاری و استعماری با غرب و رقابت بیش از پیش با لوانت را بنا نهاد؛ و از قرن ششم به بعد به طور روز افزون علاقمند به ذخایر غلات شد و با استفاده از منابع بومی نقره و الگوی جدید منافع استعماری، از رشد شهری حمایت کرد.

پیدایش الگوی جدید، منطقه‌ی آغازین سرمایه و تولید با کار فشرده، از لوانت تا جنوب اژه بود، که در ابتدا توسط منطقه‌ای با محصولات کشاورزی با ارزش بالاتر (روغن و شراب، به خصوص در شمال اژه، مانند خیوس^{۱۳۹} و تاسوس) و سپس با نوار غلات در حال رشد در سرنایکا، سیسیل، جنوب ایتالیا و دریای سیاه احاطه شده بود. فراتر از این، مراکز مجزای تولید، با

مناطق ذخایر خود، در اتروریا و تونس ایجاد شدند و مجدداً با پیچیدگی الگوی رقابت به عنوان مناطق بیشتر سرمایه‌گذاری شده در شرق مدیترانه، سعی کردند تا از کنترل سرزمین‌های غنی اروپای معتدل خارج شوند. نه پراکندگی و نه استقلال داخلی نتوانست به درستی ماهیت این فرایند رشد را شرح دهد، بلکه الگوی توسعه و پیشرفت توانست به بهترین شکل، تکامل مشترک را در خلال محدوده‌های گسترش یافته و منطقه بندی شده‌ی سیستم جهانی در حال رشد توصیف کند.

تقدیر و تشکر

ما سپاسگزار تفسیرهای سودمند جان بوردمن^{۱۴۰}، استفانی دالی^{۱۴۱}، کریس هاوججو^{۱۴۲}، آندرس ریز^{۱۴۳} و مایکل ویکرز^{۱۴۴} و ورونیکا ناتون‌براون^{۱۴۵} برای کمک در خصوص عکس‌ها هستیم. نقشه‌ها نیز توسط نیک گریفیتس^{۱۴۶} ارائه شده است.

موزه‌ی آشمولی^{۱۴۷}
دانشگاه آکسفورد

-
- Chios .139
John Boardman .140
Stephanie Dalley .141
Chris Howgego .142
Andres Reyes .143
Michael Vickers .144
Veronica Tatton-Brown .145
Nick Griffiths .146
Ashmolean Museum .147

References

1. Balmuth, Miriam 1971. Remarks on the appearance of the earliest coins. In Studies Presented to George M. A. Hanfmann (eds D. G. Mitten, J. G. Pedley and J. A. Scott). Mainz: von Zabern, pp. 1-7.
2. Barber, E. J. W. 1991. Prehistoric Textiles: the development of cloth in the Neolithic and Bronze Ages. Princeton: Princeton University Press.
3. Boardman, John 1980. The Greeks Overseas: their early colonies and trade. Enlarged edn. London: Thames & Hudson.
4. Boardman, John 1990. Al Mina and history. Oxford Journal of Archaeology, 9(2): 169-90.
5. Buchner, G. 1982. Die Beziehungen zwischen dem cuböischen Pithekoussai auf der Insel Ischia und
6. dem nordwestsemitischen Mittelmeerraum in der zweiten Hälfte des 8. Jahrhunderts v. Chr. In
7. Phönizier im Westen (ed. H. G. Niemeyer). Madrider Beiträge 8. Mainz: von Zabern, pp. 277-98.
8. Coldstream, J. N. 1982. Greeks and Phoenicians in the Aegean. In Phönizier im Westen (ed. H. G. Niemeyer). Madrider Beiträge 8. Mainz: von Zabern, pp. 261-75.
9. Cristofani, Mauro 1986. Economia e società. In Massimo Pallottino et al., Rasenna. Storia e civiltà degli Etruschi. Milan: Scheiwiller, pp. 79-158.
10. Finley, M. I. 1985. The Ancient Economy. 2nd edn. London: Hogarth Press.
11. Frankenstein, Susan 1979. The Phoenicians in the far west: a function of neo-Assyrian imperialism. In Power and Propaganda: a symposium on ancient empires (ed. M. T. Larsen). Copenhagen Studies in Assyriology 7. Copenhagen: Akademisk Forlag, pp. 263-94.
12. Gehrig, Ulrich and Niemeyer, Hans Georg 1990. Die Phönizier im Zeitalter Homers. Mainz: von Zabern.
13. Harrison, Richard J. 1988. Spain at the Dawn of History: Iberians, Phoenicians and Greeks. London: Thames & Hudson.
14. Hart, Keith 1986. Heads or tails? two sides of the coin. Man N.S. 21: 637-56.
15. Hicks, J. 1969. A Theory of Economic History. Oxford: Clarendon Press.
16. Kestemont, Guy 1985. Les phéniciens en Syrie du Nord. In Phoenicia and its Neighbours (ed E. Gubel and E. Lipinski). Studia Phoenicia 3. Leuven: Uitgeverij Peeters, pp. 135-49.
17. Kilian-Dirlmeier, Imma 1985. Fremde Weihungen in griechischen Heiligtümern vom 8. bis zum Beginn des 7. Jahrhunderts v. Chr. Jahrbuch des Römisch-germanischen Zentralmuseums 32: 215-54.
18. Kimmig, Wolfgang 1983. Die griechische Kolonisation im westlichen Mittelmeergebiet und ihr Wirkung auf die Landschaften des westlichen Mitteleuropa, Jahrbuch des Römisch-germanische Zentralmuseums, 30: 5-78.



19. Liverani, Mario 1987. The collapse of the Near Eastern regional system at the end of the Bronze Age: the case of Syria. In *Centre and Periphery in the Ancient World*(eds Michael Rowlands Mogens Larsen and Kristian Kristiansen). Cambridge: Cambridge University Press, pp. 66-73.
20. Liverani, Mario 1988. *Antico oriente: storia, società, economia*. Rome: Laterza.
21. Lombard, M. 1971. *Monnaie et histoire d'Alexandre à Mahomet*. Etudes d'économie médiévale 1 Paris: Mouton.
22. Markoe, G. 1985. *Phoenician Bronze and Silver Bowls from Cyprus and the Mediterranean*. Berkeley: University of California Press.
23. Martelli, M. 1985. I luoghi ed i prodotti dello scambio. In *Civiltà degli Etruschi*(ed. M. Cristofani). Milan: Electa, pp. 175-81.
24. Matthäus, Hartmut 1992. Bronzene Kandelaber mit Blattüberfall: Zeugnisse phönikischer Expansion im Mittelmeergebiet. In *Acta Cypria*(ed. Paul Åström). Acts of an international congress on
25. Cyprische archäologie held in Göteborg on 22-24 August 1991, Part 2. Jönsered: Paul Åströms Forlag, pp. 214-54.
26. Morris, S. 1992. *Daidalos and the Origins of Greek Art*. Princeton: Princeton University Press.
27. Nash, D. M. 1985. Celtic territorial expansion and the Mediterranean world. In *Settlement and Society in the First Millennium BC*(eds T. C. Champion and J. V. S. Megaw). Leicester: Leicester University Press, pp. 45-68.
28. Niemeyer, Hans Georg 1984. Die Phönizier und die Mittelmeerwelt im Zeitalter Homers. *Jahrbuch des Römisch-germanischen Zentralmuseums*, 31: 3-94.
29. Niemeyer, Hans Georg 1990. Die Phönizier im Mittelmeerraum. Ulrich Gehrig and Hans Georg Niemeyer, *Die Phönizier im Zeitalter Homers*. Mainz: von Zabern, pp. 97-103.
30. Pryor, J. H. 1988. *Geography, Technology and War: studies in the maritime history of the Mediterranean 649-1571*. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Ridgway, David 1971. The first western Greeks: Campanian coasts and southern Etruria. In *Greeks, Celts and Romans: studies in venture and resistance*(eds Christopher and Sonia Hawkes). London: Dent, pp. 5-29.
32. Rothenberg, Beno and Blanco-Freijeiro, Antonio 1981. *Ancient Mining and Metallurgy in South-west Spain*. London: Institute of Archaeology.
33. Rowlands, M. 1984. Conceptualizing the European Bronze and early Iron Age. In *European Social Evolution*(ed. John Bintliff). Bradford: University of Bradford, pp. 147-56.
34. Rowlands, M. and S. n.p., *Incorporating the periphery: ethnogenesis and the development of complex societies*. Conference paper, Novorossisk, 1991.
35. Ruiz-Gálvez Priego, Marisa 1986. *Navegación y comercio entre el Atlánti-*



co y el Mediterráneo a fines de la edad del bronce. *Trabajos de Prehistoria*, 43: 9-41.

36. Rupp, David W. 1987. *Vive le roi: the emergence of the state in Iron Age Cyprus*. In *Western Cyprus: connections*(ed. D. W. Rupp). *Studies in Mediterranean Archaeology* 77. Göteborg: Paul Åströms Forlag, pp. 147-61.

37. Salmon, J. B. 1984. *Wealthy Corinth. A history of the city to 338 BC*. Oxford: Clarendon Press.

38. Schauer, Peter 1983. *Orient im spätbronze und-früheisenzeitlichen Occident. Kulturbeziehungen zwischen der iberischen Halbinsel und dem vorderen Orient während des späten 2. und des ersten Drittels des 1. Jahrhunderts v. Chr.* *Jahrbuch des Römisch-germanischen Zentralmuseums*, 30:175-94.

39. Shaw, Joseph W. 1989. *Phoenicians in southern Crete*. *American Journal of Archaeology*, 93: 165-83.

40. Shefton, B. B. 1982. *Greeks and Greek imports in the south of the Iberian Peninsula: the archaeological evidence*. In *Phönizier im Westen*(ed. H. G. Niemeyer). *Madriider Beiträge* 8. Mainz: von Zabern, pp. 337-406.

41. Sherratt, Andrew and Susan 1991. *From luxuries to commodities: the nature of Mediterranean Bronze Age trading systems*. In *Bronze Age Trade in the Mediterranean*(ed. N. H. Gale). *Studies in Mediterranean Archaeology* 90. Jonsered: Paul Åströms Forlag, pp. 351-86.

42. Sourvinou Inwood, Christiane 1981. *To die and enter the House of Hades: Homer, before and after*. In *Mirrors of Mortality: Studies in the Social History of Death*(ed. J. Whaley). London: Europa, pp. 15-39.

43. Wallerstein, Immanuel 1974. *The Modern World-system: capitalist agriculture and the origins of the European world-economy in the sixteenth century*. New York: Academic.

44. Winter, Irene 1979. *North Syria in the Early First Millennium BC, with special reference to ivory carving*. Ph.D. dissertation, Columbia. Ann Arbor: University Microfilms.

45. Wolf, Eric R. 1982. *Europe and the People without History*. Berkeley: University of California Press. Zemer, Avshalom 1977. *Storage Jars in the Ancient Sea Trade*. Haifa: National Maritime Museum Foundation.

